

صدقه جاریه لبنان

دکتر عباس خامه یار که این روزها معاونت بین الملل سازمان فرهنگ و ارتباطات را بر عهده دارد سال‌ها در لبنان ریاست رادیو صوت المستضعفین در لبنان و وابسته فرهنگی ایران در این کشور بوده و سیدعباسی طباطبایی و از فعالیت‌های او را به خوبی با خبر است.

دکتر عباس خامه یار

نواندیش و خوش اندیش

سخن از سید عبسی طباطبائی واقعاً کار آسانی نیست و شما در برابر یک پدیده، قرار گرفتید واقعاً؛ شخصیتی جامع‌الاطراف و جامع‌الشرایط، یک روحانی کاملاً سنتی در عین حال با ذهنیتی بسیار باز، نواندیش، خوش اندیش، آشنا به زمان و مکان و دارای ابعاد همه جانبه کم‌نظیر. شعار همیشه ایشان که عامل همه دستاوردهای آقا سید عبسی است این بود: «نیرومند شدن امت، با پشتوانه خدمت به خلق و خدمت به مردم است.» بر این اساس پیش رفت.

از سال ۱۳۷۰ به مدت ۵-۶ سال به صورت مستقیم، فعال و همراه با هم بودیم. آقا سید عبسی سابقه طولانی در لبنان داشت. آشنا به

تشیلات آموزشی امام موسی صدر در جنوب بود، مدتی تدریس می‌کرد. امام که به پاریس رفت، ایشان به پاریس می‌روند و بعدش هم برمی‌گردند تهران. چند ماهی بعد از پیروزی انقلاب خدمت امام می‌رسند، همان بحث جایگاه و اهمیت لبنان را و ضرورت توجه به لبنانی‌ها را مطرح می‌کنند. امام هیئتی را به لبنان می‌فرستند. ایشان قبل از آن هیئت برای زمینه‌سازی به لبنان می‌روند و ارتباطگیری جنبش انقلاب اسلامی با لبنانی‌ها به شکل فعال‌تری انجام می‌شود و سید همانجا ماندگار می‌شود. برنامه‌های خودش را در یک فاز جدید و با رویکرد جدید با هدف خدمت به مردم ادامه می‌دهد و با توجه به محرومیت‌هایی که مسلمانان و مردم لبنان داشتند حرکت می‌کند.

زمان و مکان، همه دوره‌ها را به چشم دیده بود. سختی‌های لبنان را، دوران قبل از انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی، زمان قبل و بعد امام موسی صدر را و دوران شکل‌گیری و ظهور مقاومت را دیده و همیشه حاضر، ناظر و در صحنه بوده است. ایشان قبل از انقلاب به خاطر مبارزاتی که داشت در حالت خود تبعیدی بود. سال‌ها در لبنان حضور داشت. جزو مستقبیلین امام هنگام هجرت ایشان به نجف بود. فعالیت خودش را در رابطه با گسترش اندیشه‌های امام در بازگشت به لبنان افزایش داد. بین نجف و بیروت و گاهی سوریه رفت و آمد داشت.

رویکرد جدیدی برای لبنان

مورد حمایت امام موسی صدر بودند. به خواست خود امام موسی صدر در معهد اسلامی که تنها





همه ساله به حج می‌رفت. ارتباطگیری‌های برون مرزیش را در حج تنظیم می‌کرد. هم در ایران و هم در مناسبت‌ها مفصل هم‌دیگر را می‌دیدیم. بدون امکانات و یا ماشین قراضه‌اش همه کارهایش را خودش شخصاً انجام می‌داد.

جا افتاده و اعتماد عمومی مردم منطقه را کاملاً کسب کرده است.

◀ **کمیته بنیاد شهید و بنیاد جانبازان**
 را کاملاً کسب کرده. پروژه بعدی پروژه بعدی بنیاد شهید است. با افزایش شهدای مقاومت اسلامی سید عیسی بنیاد شهید را تأسیس کرد. خانواده شهدا را محترمانه تحت پوشش قرار داده و الان هم با شدت تمام ادامه دارد. از همین کمیته بنیاد شهید، شاخه بنیاد شهید فلسطین هم ایجاد شد. به خاطر مشکلاتی که در نقل و انتقال ارز و امور بانکی با بانک‌های داخل سرزمین اشغالی وجود داشت دفتر مرکزی در بیروت بود ولی در کرانه غربی، در غزه دفاتر نمایندگانی ایجاد شد و تحت عنوان بنیاد شهدای فلسطین فعال است. همه مردم و آسیب‌دیدگان فلسطین کاملاً با این بنیاد آشنائی دارند و سهمی از مقاومت خودشان را از این بنیاد دریافت می‌کنند. بنیاد شهید کار سازمان یافته و بر اساس آئین نامه است و قطعاً با بنیاد شهید کشورمان در ارتباط است. به خاطر حرمت خانواده‌های شهدا که عزیزانشان را از دست داده‌اند حمایت‌های بنیاد را نه به رخ دیگران می‌کشیم و نه پاسخگوی معترضین هستیم و بین گروه‌های فلسطینی از شهدای فتح و حماس تفاوتی قائل نیستیم. آقا سید بنیاد جانبازان را در لبنان با همان

کارش را کاملاً می‌برد.

◀ **کمیته امداد امام خمینی**
 آقا سید عیسی از زمان اشغال بیروت توسط رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ به بعد ۱۲ پروژه بزرگ ماندگاری سابقه فرهنگی، اجتماعی و خدماتی را پایه‌گذاری کرد و به بهره‌برداری رساند که این پروژه‌ها فرزندان خلفی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی هستند مثل کمیته امداد امام خمینی. افراد تحت کفالت این کمیته قرار می‌گیرند و از بدو ورود به دبستان تا دوره‌های دانشگاهی، ایتم یا فقرا تحت پوشش قرار می‌گیرند. در این رابطه، افراد متکفلی را از متمولان و از ثروتمندان خیر، خیرین خلیج فارس و کشورهای مختلف جذب می‌کنند و به صورت پنهانی تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای امضا می‌شود و هر کدام این افراد، خانواده‌ها یا افرادی را تحت پوشش قرار می‌دهند، بدون اینکه اعلام رسمی شود. آقا سید با حفظ حیثیت و آبروی تک‌تک این خانواده‌ها و افراد به آن‌ها کمک می‌کند. تشکیلات عظیمی برای این کار شکل می‌گیرد و مانند ایران صندوق صدقات در شهرها، روستاها و اماکن عمومی نصب شده و کاملاً خودکفا و تحت نظارت نمایندگان حضرت امام و حضرت آقا اداره می‌شود. کمیته امداد برای مردم لبنان کاملاً

◀ **خدا درست می‌کند**
 مهم‌ترین ویژگی سید خلوص و تواضعش بود. هیچی نمی‌خواست. هر آنچه که انجام می‌داد، هر آنچه که می‌آمد یک جواب ثابت داشت: «الحمد لله، الحمد لله، خدا را شکر» با همین حالت پاسخ می‌داد و هیچ گله‌ای هم از هیچ احدی نداشت. جامع‌الشرایط و جامع‌الصفات بود. با همه بدقولی‌ها و جفاهایی که می‌دید خستگی ناپذیر بود. گاهی من سنگ صبور سید بودم. درد و دلش را به من می‌گفت و به من اعتماد داشت. خیلی محبت داشت. محبت‌هایش هم همه جا رفته بود. همیشه خداوند منبع آرامش است و همیشه این آرامش را در اوج کار داشت. یک بار ایشان عصبانی نشد. نه پشت سر کسی حرف می‌زد، نه عصبانی می‌شد. با همان تواضع و افتادگی‌اش می‌گفت: خدا درست می‌کند. همه ساله به حج می‌رفت. ارتباطگیری‌های برون مرزی‌اش را در حج تنظیم می‌کرد. هم در ایران و هم در حج و هم در مناسبت‌ها مفصل هم‌دیگر را می‌دیدیم. بدون امکانات و یا ماشین قراضه‌اش همه کارهایش را خودش شخصاً انجام می‌داد. همه فعالیت‌های او هم به لحاظ کار و هم مسائل تدارکاتی و بودجه‌ای بسیار بزرگ بود. با وضعیت جسمی و سنی‌اش مدام می‌دوید و خستگی ناپذیر بود. وقتی کار تمام می‌شد و تحویل می‌داد نفس راحتی می‌کشید و لذت

کارکردی که در ایران داشت، تاسیس کرد و طبق ایران بعد مدتی با بنیاد شهید ادغام شد. این بنیاد به صورت فعال و مستقل با همان سازماندهی و سازمان یافتگی، فعالیت می‌کند.

بنیاد کوثر

از فعالیت های دیگر سید تاسیس بنیاد کوثر است. این بنیاد برای ایجاد تسهیلات، سازماندهی و کمک به ازدواج رزمندگان است. رزمندگان مشغولیت‌هایی دارند، در عین حال مجاهدان اسلام معاصر و مقاومت هستند و از این بابت باید اینها را سازمان داد. بنیاد کوثر برای رزمندگان ازدواج‌های دسته‌جمعی و گروهی برگزار می‌کند.

بنیاد قرض الحسن را با ارتباطی که با بسیاری از بازرگانان، تجار، خیرین کل منطقه حوزه خلیج فارس، خود لبنانی‌ها و دیگر کشورهای عربی داشت ایجاد کرد. بنیاد قرض الحسن شرایط ویژه و تسهیلاتی را برای مردم کم بضاعت پیش بینی کرده بود. قرض الحسن با هدف کمک به وضع معیشتی و دستگیری مردم و قشرهای مختلف بسیار فعال و یکی از بنیادهای مطرح در لبنان است.

سلسله مراکز فرهنگی امام خمینی

او حتی کارهای فرهنگی، پژوهشی و علمی در سطح استانداردهای بین‌المللی انجام داد. یکی از این نوع فعالیت‌ها ایجاد سلسله مراکز به نام مراکز فرهنگی امام خمینی علیه‌السلام است. این دو هم در بقاع، هم در بیروت و دبی و جنوب لبنان انجام شد. ۱۲ مجتمع فرهنگی هنری تمام عیار و کاملاً تخصصی دارای سالن بسیار مدرن اجتماعات، کتاب‌های تخصصی و عمومی، سالن‌هایی برای برگزاری میزگردها و سینماها ایجاد کردند، که الان همه دارای آوازه هستند. هم اکنون هر کدام از این مراکز فرهنگی با بزرگترین مراکز فرهنگی سنتی و تاریخی لبنان رقابت می‌کنند.

مراکز درمانی و آموزشی

یکی دیگر از فعالیت‌های سید عیسی راه‌اندازی مراکز درمانی و آموزشی است. شاید اوج این را در بیمارستان شیخ راغب حرب در نبطیه جنوب لبنان بینیم که به مناسبت سی و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی با حضور شهید رکن آبادی، سفیر ایران در لبنان به عنوان آخرین پروژه بزرگ خدماتی فرهنگی سید عیسی افتتاح شد. آن مراسم با حضور گسترده‌ای از قشرهای مختلف انجام شد و کار توسط هلال احمر افتتاح شد.

صدقه جاریه

زمانی که ساخت بیمارستان شیخ راغب حرب

تمام شد، چون پروژه خیلی عظیم بود نیاز به کمک های مردمی داشتیم. برای جمع آوری هزینه های بیمارستان تصویر اسکناس هزار لیری لبنان را روی کاغذ چاپ می‌کرد و در مناسبت‌های مختلف جوان‌ها کمک‌های مردمی را با فروش این اسکناس‌ها جمع می‌کردند. این پروژه‌ها نیاز به تلاش، باور و خلوص داشت که این مرد همه را یکجا داشت. هیچ کدام از این پروژه‌های سید عیسی تاکنون متوقف نشده و در استمرار دائم و صدقه جاریه است.

حوزه علمیه امام خمینی

یکی دیگر از پروژه‌های بزرگ او در زمینه علمی و آموزشی، ساخت بزرگترین و مدرن‌ترین حوزه علمیه لبنان به نام حوزه امام خمینی علیه‌السلام در شهر بعلبک است. پروژه عظیمی بود که آیت‌الله جنتی و هیئت وزیران در مراسم افتتاحیه آن شرکت داشتند.

نهادهای ایرانی لبنانی

همه مراکز و مجموعه‌ها، همکاری‌های گسترده‌ای با بنیادهای مادر در ایران دارند ولی اعضای رسمی آن تشکیلات حزب‌الله هستند. ممکن است ما به عنوان رابط افرادی را تعیین کرده باشیم و نظارتی داشته باشند ولی آن هم فی‌مابین و در چهارچوب خط‌مشی کلی حزب‌الله است. ۱۲ مرکز فرهنگی امام خمینی علیه‌السلام هم جزو بخش فرهنگی حزب‌الله هستند.

سلسله مدارس المهدی

در زمان دبیرکلی سید عباس موسوی یک مدرسه پیش دبستانی و یک ابتدایی در لبنان بود. اینها مدارس خصوصی در شهرهای بیروت و بعلبک بودند. موسس این مدارس سید عیسی طباطبایی بود و ۱۵ مدرسه به عنوان مدارس المهدی ساخت. از دبستان و پیش‌دبستانی تا دبیرستان و هنرستان. برنامه‌های درسی آن‌ها مصوب دولت است. زبان فارسی هم جزو برنامه‌های آن‌ها است به عنوان یک زبان انتخابی و اختیاری. یکی از مهم‌ترین و زنده‌ترین و بهترین مدارس سطح لبنان، همین مدارس المهدی است.

سید عیسی علاوه بر سازمان‌ها و موسساتی که خودش مستقیم از صفر تا صدش را ایجاد کرد، پروژه‌های جانبی را هم حمایت می‌کرد و به خاطر ارتباط و شخصیتش نقش هیئت مدیره، هیئت موسس، عضو افتخاری در فعالیت‌های مختلف داشت.

شبکه تلویزیونی ماهواره المنار

یکی از آثار مهم و ماندگار و بی‌سابقه سید عیسی بحث شبکه تلویزیونی ماهواره ای المنار بود. آن موقع من مسئول رادیو صوت المستضعفین بودم. امکاناتی را جمهوری اسلامی در شرایط

جنگی خودش در اختیار ما می‌گذاشت. یک شبکه رادیوی دیگری هم در بیروت بود به نام النور. در برابر ما صداها شبکه رادیویی، رسانه‌ای و تلویزیونی در لبنان بود. همه امید مسلمانان به این رادیو و تقویت صوت المستضعفین بود. اینکه یک شخص روحانی سنتی با آن ویژگی‌های سنی، بدون هیچ گونه پیشینه و ذهنیتی در دهه ۷۰ شمسی مسئله راه‌اندازی شبکه ماهواره‌ای اسلامی را مطرح کند خیلی شگفت‌انگیز بود.

در سفارت ایران هر هفته جلسه شورای فرهنگی داشتیم که مسئولین فرهنگی آنجا جمع می‌شدند از جمله خود آقا سید عیسی. وقتی برای اولین بار شبکه تلویزیونی را مطرح کرد همه یک‌ه خوردند. چون ایشان خیلی افتاده بودند و جایگاه رسمی نداشتند، افراد خیلی راحت با ایشان شوخی می‌کردند. با طرح این مساله از طرف ایشان سوزه جالبی برای مزاح و شوخی افراد ایجاد شد و همیشه نقل مجالس بود. نه امکاناتی برای این کار داشتیم و نه به ما مجوز می‌دادند. اگر خیلی هنرمی کردیم باید صوت المستضعفین را تقویت می‌کردیم.

دفاع از تنها مناره

سید تصمیم خودش را گرفت. مسجد رسول اعظم، مسجد مهمی در منطقه غربی بیروت است که مناره بزرگی هم دارد. آنتن را روی مناره مسجد نصب کرد و اسم شبکه را به خاطر همین آنتن و چگونگی نصبش، تلویزیون المنار گذاشت. بعد اتاقکی گرفت. با پخش اسلاید همراه با موسیقی به عنوان پخش آزمایشی شبکه ماهواره‌ای المنار، کار را شروع کرد. همه غافلگیر شدند. آن سوزه‌ای که مورد مزاح همه قرار می‌گرفت، بیشتر فعال‌تر شد.

با شوخی و گاهی با نقد سید عیسی را از کارش نهی می‌کردند. مثلاً می‌گفتند «مگر امکان دارد؟ با چه برنامه‌ای، با چه تولیدی، با چه کادری شبکه راه بیفتد؟» این شوخی تبدیل به حملات مستمر، نقد و موضع‌گیری‌های شدید شد. علی‌رغمی که جایگاه سید عیسی طباطبایی به لحاظ روحانیتش مورد احترام بود، ولی این کار به عنوان یک تهدید تلقی شد. پخش آزمایشی باید همراه با فیلم و برنامه باشد. ماه‌ها طول کشید و امکان هیچ تولیدی نبود. سید در پاسخ به همه انتقادات، حمله‌ها و موضع‌گیری‌های شوخی و جدی می‌گفت: «من می‌خواهم یک شبکه‌ای به نام مقاومت داشته باشیم. من می‌خواهم این شبکه یک اذان بگوید. شما هر چه می‌خواهید بگویید، بگویید.» با اطمینان و با اعتماد به نفس، حرف می‌زد. می‌رفت و می‌آمد. در رفت و آمد به ایران با خودش دستگاه‌هایی می‌برد و می‌آورد.

عمل انجام شده در المنار

پروژه بزرگ ماندگار بی‌سابقه فرهنگی، اجتماعی و خدماتی را پایه‌گذاری کرد و به بهره‌برداری رساند که این پروژه‌ها فرزندان خلفی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی هستند مثل کمیته امداد امام خمینی (ره).

در چارچوب‌های سنتی آن روز قم و نجف محصور نبود. سید یار و شاگرد امام بود و قطعاً اندیشه‌ها، حضور سیاسی و ویژگی انقلابی امام، تأثیر گذاشته بود و سید با چنین نگاهی در لبنان حضور داشت. نماینده هیچ دستگاهی نبود اما یک عنصر دوراندیش، سیاست‌مدار و به معنای رایج کلمه یک عنصر تقریبی بود.

جنگ اردوگاه‌ها یک توطئه بزرگی برای جنگ شیعه و سنی بود. جنگ بین فلسطینی‌ها و جنبش امل خانمان سوز بود. در دنیا، این جنگ را جنگ شیعه بر علیه سنت تبلیغ می‌کردند. تلاش‌های زیادی جمهوری اسلامی کرد که این جنگ را متوقف کند.

محاصره اقتصادی اردوگاه‌ها توسط مسئولین آن روز امل ایجاد شده بود. مردم واقعا بدون آب و غذا مانده بودند. سید عیسی به عنوان میانجی در این شرایط وارد اردوگاه الرشیدیه شد. ۷۵ روز در اردوگاه، همراه فلسطینی‌ها، به عنوان یک آواره فلسطینی همان جا زندگی کرد. غذای عمده سید در آنجا، مثل بقیه علف بود. ایشان توانست پیام، هم بستگی و اعتراض جمهوری اسلامی را با این روند اعلام کند. آن روز، امل همکاری خوبی را با جمهوری اسلامی نداشت و این صدا، صدای رسائی بود. زمانی که سید از اردوگاه خارج شد تا مدت‌ها ریشه جسمی و بدنی داشت. بسیار آرام و با کمک عصا راه می‌رفت و ریشه‌اش خیلی شدید بود. تا سال‌ها این وضعیت ادامه داشت. این نگاه و این اقدام سیاسی آقای طباطبائی در آن شرایط سخت، درسی برای لبنان بود. یعنی پیام‌رسانی جهانی داشت.

برادری مهربان برای لبنان

به مناسبت روز شهید که در لبنان نامگذاری شده، هر سال بنیاد شهید مراسم مفصلی می‌گیرد. سید حسن نصرالله هم سخنران اصلی آن مراسم است. به خاطر مسائل امنیتی در سال‌های اخیر، به صورت زنده ماهواره‌ای سیدحسن سخنرانی می‌کند. این بزرگداشت شهدا با حضور گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف و هزاران نفر برگزار می‌شود. در سال ۲۰۰۷، سید حسن با یک سخنرانی قراء همه را غافلگیر کرد. کمتر اتفاق می‌افتد که سید حسن از کسی که در قید حیات هست نام ببرد. نام بردن از شهدا، بزرگان، حضرت امام و حضرت آقا یک چیز طبیعی است ولی در آن سخنرانی از سید عیسی به عنوان انسانی صادق، متواضع، پدری عطوف، برادری مهربان و رؤف نام برد و گفت که ایشان نعمت خداوند برای موسسه و برای این منطقه بود.

من فکر می‌کنم این تجلیل خلاصه اعتقاد و ارادت تمامی لبنانی‌ها و افکار عمومی لبنان بود که سیدحسن نصرالله احساس وظیفه کرد که به نوعی قدردان و انتقال‌دهنده قدردانی مردم لبنان به سید عیسی باشد.

نمی‌خواست و نمی‌گذاشت باقی بماند. با همه این پروژه‌های بزرگی که انجام داد، سید دفتر و حتی یک اتاق نداشت. منزل هیچی نداشت. به سید می‌گفتم: شما انجمن واگذارکننده‌ای. فقط می‌گرفت و واگذار می‌کرد.

حوزه بعلبک یک پروژه عظیم بود که آیت‌الله جنتی برای افتتاح آمده بود. در حین خروج رو کردم به سید عیسی و به شوخی گفتم: خب سید! کی واگذار می‌کنید؟ گفت: من هیچی نمی‌خواهم، واگذار می‌کنم. اشاره‌ای کرد به درب خروجی حوزه و گفت: یک قطعه قیری اینجا به من بدهند برایم کافی است. من با شوخی گفتم: همین را هم بهت نمی‌دهند. سید هیچ بودجه و هیچ وابستگی به نهادی در داخل و خارج نداشت. هزینه همه پروژه‌ها را خودش تامین می‌کرد. بعد تکمیل هم کل پروژه را تحویل می‌داد و واگذار می‌کرد.

آبروی گرانهای سید

او فقط با آبرویش این بنیادها را تاسیس کرد و فقط دادوستدی که با خداوند داشت باعث پیدایش چنین بنیادها و موسسات خیریه‌ای شد. هر وقت وزیر یا شخصیتهایی به لبنان می‌آمد مراسم استقبال صورت می‌گرفت.

سید عیسی چون جایگاه رسمی و وابستگی به جایی نداشت کسی به او اطلاع نمی‌داد و دعوت نمی‌کرد. بدون دعوت در صف مستقبلین قرار می‌گرفت. خیلی مورد طعنه بود و با بی‌زمانی بهشان جفا می‌شد. همه می‌دانستند که سید برای آن مهمان برنامه دارد. این ارتباط را از فرودگاه برقرار می‌کرد و در حین سفر و حتی در بازگشت ادامه می‌داد تا بتواند باری از بیمارستان، مراکز فرهنگی یا حوزه علمیه بردارد. در ساخت و ساز و در تجهیز مراکز قدمی پیش ببرد. برای بیمارستان یخچال و برای مسجد فرش لازم داشت. از المنار گرفته، تا بیمارستان و حوزه و باقی را با همین شیوه توانست تجهیز کند. امروز هر کدام از این پروژه‌ها، اقدامات عظیمی را در فضای فرهنگی، اجتماعی، خدماتی و رسانه‌ای لبنان انجام می‌دهند لذا فقط با آبرویش توانست این موارد را انجام دهد.

تمام پروژه‌ها و تاسیساتی که ایجاد کرد بدون استثنا دارای استاندارد بالا و رقیب قدری هستند برای تمامی سازمان‌های رسمی و حکومتی مشابه؛ هم به لحاظ محتوا، هم به لحاظ شکل. بیمارستان، بنیاد شهید یا مراکز فرهنگی دوازده‌گانه امام خمینی را ببینید در چه سطحی و چه امکانات و استانداردی است. هم از لحاظ ساخت و ساز و هم برنامه‌های محتوایی، علمی و پژوهشی.

جنگ شیعه و سنی

آقای طباطبائی فارغ‌التحصیل قم و نجف بود و طبیعتاً یک روحانی سنتی است اما اندیشه‌هایش

آن‌زمان نوارهای ویدئویی فیلم‌های ایرانی را که بخشی از آن‌ها هم به عربی ترجمه شده بود را خارج از چارچوب‌ها و ضوابط سازمانی در اختیارشان گذاشتم و شروع کرد به پخش فیلم‌های ایرانی. بعد در عمل انجام شده قرار گرفتیم و همه دست به دست هم دادیم و بالاخره حزب‌الله وارد شد و بعد از طی مراحل شد المنار. المنار اولین شبکه ماهواره‌ای بود که در برابر حمله صدها شبکه ماهواره‌ای از مقاومت و انقلاب اسلامی دفاع می‌کرد. به خاطر ورزیدگی، سعه صدر و ویژگی‌های مقاومت و حزب‌الله، المنار پا گرفت و توانست مجوز رسمی را از دولت لبنان بگیرد. با همه شبکه‌ها رقابت کرد و به عنوان منبع صادق مسلمانان در سطح جهان، مورد پذیرش قرار گرفت و بعدش هم روی ماهواره‌های مختلف قرار گرفت.

با فشارهای دشمنان، رژیم صهیونیستی و عربستان قرارداد‌های ما با بعضی از ماهواره‌ها کنسل شد و المنار سرآغاز ایجاد و تاسیس ماهواره‌های متعدد در جاهای مختلف شد. سرآغاز این کار و پدر این ماهواره‌ها سید عیسی طباطبائی است. اصلاً کسی تصور نمی‌کرد ایشان چنین اندیشه بلندی در این زمینه داشته باشند. شخصی که اصلاً رسانه‌ای نیست.

بازسازی مرقد حضرت سیده خوله

از دوراندیشی‌های سید عیسی بازسازی یا گسترش مرقد حضرت خوله، یا به قول لبنانی‌ها سیده خوله، فرزند دختر امام حسین علیه السلام بود. بر اساس اسناد تاریخی این مکان در کنار قلعه با شکوه ژوپیتر جزو آثار چند هزار ساله بود. آن آثار متعلق به دوره رومیان و یکی از عجایب منطقه و دنیای ما است، اساساً بعلبک و بقاع را با این قلعه می‌شناختند و می‌شناسند. آوازه بعلبک به خاطر همین آثار تاریخی است.

در کنار این آثار، مرقد حضرت خوله یک مکان بسیار کوچک بود که حتی ظرفیت سه چهار نفر هم‌زمان را نداشت. درب ورودیش خیلی کوتاه بود. باید دولا دولا وارد می‌شدی، یک ضریح کوچک چوبی هم داشت. سید مرقد را ساخت و مصلا و مرکز فرهنگی در کنارش ایجاد کرد. درخت چند هزار ساله کنار این مرقد را هم حفظ کرد. به گونه‌ای عمل کرد که بعلبک به عنوان یک مرکز مذهبی و اسلامی در لبنان شناخته شد. در شب‌های جمعه و مناسبت‌های مختلف مرکزیت مذهبی و اسلامی و مراسم کل بقاع همان جا است. گروه‌های مختلف مسلمانان از جای جای لبنان برای زیارت مرقد می‌آیند. کسانی هم که برای بازدید آثار تاریخی می‌آیند، زیارت را به جا می‌آورند.

اخلاق و انذار

سید عیسی هیچ چیزی را برای خودش

مسجد رسول اعظم، مسجد مهمی در منطقه غربی بیروت است که مناره بزرگی هم دارد. آنتن را روی مناره مسجد نصب کرد و اسم شبکه را به خاطر همین آنتن و چگونگی نصبش، تلویزیون المنار گذاشت.